

# سیمای آقاعلی مدرس طهرانی در پژوهش‌های دانشگاهی و حوزوی

**چکیده:** آقا علی مدرس طهرانی یکی از پنج چهره شاخص حکمت متعالیه، بواسطه ابتکارات متعدد فلسفی‌اش از زمان حیات به «حکیم مؤسس» معروف شده است. وی از قوی‌ترین شارحان آراء صدرالمتألهین است. تأثیرگذاری مدرس طهرانی در زمینه علوم عقلی باعث گردیده که کتاب‌ها، مقالات، و پایان‌نامه‌هایی پیرامون شخصیت، آثار، آراء و اندیشه‌های وی تألیف گردد. نویسنده نوشتار حاضر با هدف شناساندن این پژوهش‌ها به جامعه علمی، اطلاعات کلیه آثار مرتبط با ایشان را گردآوری نموده است. موضوع این آثار مشتمل بر زندگی‌نامه، کتاب‌ها، آراء و افکار مدرس طهرانی است که نویسنده به ارائه اطلاعات کتابشناسی و چکیده ۴۸ منبع، شامل ۲۷ مقاله، ۱۳ پایان‌نامه و ۸ مقاله کتابی، همت گماشته است.

**کلیدواژه‌ها:** آقا علی مدرس طهرانی، حکیم مؤسس، حکیم زنوزی.

## درآمد

آقاعلی مدرس طهرانی (۱۲۳۴-۱۳۰۷ق) یکی از پنج چهره شاخص حکمت متعالیه، به دلیل ابتکارات متعدد فلسفی‌اش از زمان حیاتش به حکیم مؤسس معروف شده است. وی پس از حکیمان بنیانگذار مکتب فلسفی (فارابی، ابن سینا، سهروردی و صدرالمتألهین)، یکی از ده فیلسوف اول جهان اسلام و از قوی‌ترین شارحان آرای صدرالمتألهین است. آنچه وی را از دیگر حکیمان متعالیه پس از صدرالمتألهین (قدس سره) ممتاز می‌کند، این است که او اهل تصرف در مبانی بوده و تنها به شرح و توضیح آرای گذشتگان، حتی ملاصدرا اکتفا نکرده است و در بسیاری از مسائل حکمت متعالیه به نتایج یا روش استدلال آنها انتقاد کرده و شیوه‌ای نو در انداخته است.

همین تأثیرگذاری در زمینه علوم عقلی باعث شده تا کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی درباره شخصیت، آثار، آراء و اندیشه‌های وی تألیف شود. این نوشتار با هدف شناساندن این پژوهش‌ها به جامعه علمی، کلیه آثار مرتبط با زندگی‌نامه، کتاب‌ها، آراء و افکار حکیم مدرس زنوزی (اعم از کتاب، پایان‌نامه، مقاله) را گردآوری کرده و اطلاعات کتابشناسی و چکیده آنها در سه بخش مقاله، پایان‌نامه و مقاله کتابی ارائه کرده است.<sup>۱</sup>

۱. در رابطه با کتابشناسی آثار حکیم مؤسس زنوزی، رک به: «کتابشناسی توصیفی حکیم مؤسس آقاعلی مدرس طهرانی»، محسن کدیور، آینه پژوهش، مهر و آبان ۱۳۷۶، ش ۴۶، ص ۸۰-۹۷.

## مقالات

۱. آشنایی با حوزه فلسفی / عرفانی تهران  
عباس طارمی، خردنامه صدرا، زمستان ۱۳۷۷، ش ۱۴، ص ۸۳-۸۸.  
چکیده: این مقاله به معرفی سرگذشت‌نامه، استادان، آثار، شاگردان و فرزندان حکیم مؤسس آقاعلی مدرس زنوزی پرداخته است.

۲. آقاعلی حکیم پیشرو کاروان خرد  
سهل علی مددی، خرداد (روزنامه)، ۲۶ اسفند ۱۳۷۷، ص ۸.  
چکیده: این مقاله به معرفی مختصری از حکیم مؤسس آقاعلی مدرس زنوزی پرداخته است.

۳. ابتکارات هستی‌شناسی حکیم مؤسس آقاعلی مدرس طهرانی  
(مطالعه موردی مسأله اصالت وجود)  
محسن کدیور و غلامحسین ابراهیمی دینانی، مدرس علوم انسانی، زمستان ۱۳۷۸، ش ۱۳، ص ۱۴۱-۱۶۰.

چکیده: آقاعلی مدرس طهرانی (۱۳۰۷-۱۲۳۴ق) از بزرگ‌ترین فیلسوفان حکمت متعالیه، افزون بر تعمیق مبانی صدرایی در باب اصالت وجود، نکات تازه‌ای را چه از حیث تصور و چه به لحاظ برهانی در این باب مطرح کرده است. استخراج، تحلیل انتقادی و مقایسه این ابتکارات با آرای صدرالمتألهین و دیگر حکیمان متعالیه موضوع بحث این مقاله است. حکیم مؤسس برخلاف دیگر حکیمان

شامل «حکمت متعالیه»، «مکتب اشراق»، «حکمت خالده»، «مکتب ابن سینا» و «عرفان» را در حوزه‌های علمیه تدریس کردند. در این ایام کتاب‌های جدیدی نوشته شد که پاره‌ای از آنها شامل آموزه‌های فلسفی جدیدی بود که بر اساس اصول و مکاتب فلسفی که قبلاً از آن نام بردیم متکی بودند. بیشتر استادان فلسفه اسلامی معاصر ایرانی شاگردان «مکتب تهران» بودند که تا چند دهه پیش پا برجا بود. همچنین استادان «مکتب تهران» در گستره سنت فلسفه اسلامی نخستین افرادی بودند که با فلسفه مدرن اروپایی مواجه شدند. بنابراین مطالعه این مکتب به آن دلیل اهمیت دارد که نه تنها ما به فهم بهتر سنت کلی فلسفه اسلامی می‌رسیم، بلکه اهمیت فهم پیشرفت فلسفه در ایران را در این قرن در می‌یابیم.

#### ۵. تحلیل انتقادی دیدگاه مدرس زنوزی درباره معاد جسمانی

ابوالفضل کیاشمشکی، پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ش ۲۱، ص ۵-۲۴.

چکیده: تبیین فلسفی معاد جسمانی از مهم‌ترین مباحث فلسفه، به ویژه پس از صدرالمتألهین است. دیدگاه آقاعلی مدرس زنوزی در این مسئله، مبتنی بر این اصول است که اولاً نفس پس از مرگ، ودایع و ویژگی‌هایی متناسب با هویت خود را در ذرات و عناصر بدن باقی می‌گذارد. ثانیاً این ودایع و ویژگی‌ها سبب حرکت جوهری و تحوّل وجودی ذرات بدن شده و در نهایت، زمینه‌ساز اتصال بدن برآمده و از آنها با نفس خود شخص در آخرت می‌شوند؛ به گونه‌ای که هیچ نفس دیگری، سازگاری و تناسب لازم برای اتحاد با بدن مذکور را ندارد. بنا بر این نظریه می‌توان ضمن ارائه تبیین فلسفی سازگارتر با آیات قرآن و روایات، از اشکالات دیدگاه غیاث‌الدین دشتکی بر حذر ماند. بی‌تردید اگر بتوان تبیینی فلسفی از معاد جسمانی به دست داد که با ظاهرایات قرآن و روایات سازگارتر باشد و از ناسازگاری منطقی درونی نیز دور باشد، آن تبیین پذیرفتنی‌تر از تبیین‌های رقیب خواهد بود. آیا می‌توان دیدگاه حکیم زنوزی در باب معاد جسمانی را دیدگاهی منسجم و سازگار با آیات قرآن و روایات دانست؟ نیز آیا می‌توان دیدگاه او در این باره را بردیدگاه ملاصدرا ترجیح داد؟ در این مقاله استدلال شده است که نظریه مدرس زنوزی در تبیین معاد جسمانی، از اتقان لازم فلسفی برخوردار نیست و نمی‌توان آن را بردیدگاه ملاصدرا ترجیح داد.

#### ۶. حکمت در تهران: گذری بر دیدگاه‌های فلسفی مکتب تهران

سیدحسین نصر، خردنامه همشهری، خرداد ۱۳۸۵، ش ۳، ص ۳۰-۳۲.

#### ۷. خیر و شر

سیدمحمد موسوی بجنوردی، پژوهشنامه متین، تابستان و پاییز ۱۳۸۳، ش ۲۳-۲۴، ص ۵-۲۴.

متعالیه، اختلاف در مسئله اصالت وجود را در دو موضع می‌داند، نه یک موضع. موضع اول: آیا مفهوم وجود بدون اعتبار عقل و بدون اضافه به ماهیات مختلف دارای افراد واقعی است یا نه؟ موضع دوم: آیا فرد واقعی وجود بدون انضمام حیثیت تقییدیه، یعنی اولاً وبالذات مصداق و محکی عنه مفهوم وجود است یا نه؟ نزاع بین قائلان به اصالت وجود و طرفداران به اصالت ماهیت لفظی نیست. افزون بر این با تحریر صحیح محل نزاع، مسئله اصالت وجود ضروری یا قریب به ضروری است. با این همه وی دستکم چهار برهان تازه بر اصالت وجود اقامه کرده که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱. مفهوم و ماهیت در مرتبه ذات، طارد عدم نیست. اگر ماهیتی در خارج یا در ذهن طرد عدم کند، این طارد بودن او بالذات نیست، بلکه بالعرض و بالتبع است. عقلاً ما بالعرض به ما بالذات منتهی می‌شود. این ما بالذات عدم نیست؛ زیرا عدم بالذات طارد عدم نیست. آنچه بالذات طارد عدم است، جز وجود چیزی نیست. وی این برهان را در بدایع الحکم «محکم البیان» خوانده است. ۲. حمل عرضی بالعرض مفاهیم ثبوتی بما هو ثبوتی بر ماهیت در دو حالت، دلیل بر اصالت وجود است. اول: مفاهیم خارج از ذات ماهیت که صدق آنها بر ماهیت محتاج واسطه در عروض باشد و دوم: مفاهیمی که صدق آنها محتاج واسطه در ثبوت باشد. ۳. هر آنچه از مرتبه ماهیت من حیث هی خارج بوده بر آن صادق باشد، این صدق و ثبوت خارج از ذات ماهیت خواهد بود و با حیثیتی زائد بر ذات آن. عدم و مفهوم وجود نمی‌توانند نقش این حیثیت را ایفا کنند و به ناچار تنها حقیقت وجود، عامل این صدق و ثبوت خواهد بود. مدرس طهرانی این برهان را جامع همه یا اکثر براهین ملاصدرا در باب اصالت وجود دانسته است.

#### ۴. از مکتب اصفهان تا مکتب تهران

سیدحسین نصر، ترجمه منوچهر دین‌پرست، ایران (روزنامه)، ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ خرداد ۱۳۸۴، ص ۱۰.

چکیده: با انتخاب تهران به عنوان پایتخت ایران، مرکز فکری کشور هم به تدریج به این شهر منتقل شد. در این زمان فتحعلی‌شاه قاجار از استاد فلسفه‌ای به نام ملاعلی نوری (۱۲۴۶ق) که در اصفهان زندگی می‌کرد دعوت نمود تا از اصفهان به تهران برای تدریس عزیمت کند، اما وی به دلیل کهولت سن دعوت پادشاه را اجابت نکرد و یکی از مجرب‌ترین شاگردانش به نام ملاعبدالله زنوزی را به جای خود به تهران فرستاد. بدین گونه مکتب «فلسفه اصفهان» در قرن سیزدهم هجری به تهران منتقل و سبب شد که تهران محلی برای فعالیت استادانی مانند آقاعلی مدرس زنوزی و پدرش ملاعبدالله و همچنین آقا محمد رضا قمشه‌ای و میرزا ابوالحسن جلوه شود. این استادان گونه‌های مختلف تفکر اسلامی

مشهورترین ابتکار آقاعلی مدرس، روش تازه او در حل مسئله معاد جسمانی است. این رأی جدید در رساله سبیل الرشاد فی اثبات المعاد تبیین شده است. این رساله از جمله تعلیقات حکیم مؤسس آقاعلی بر اسفار صدرالمتألهین است که توسط خود وی به صورت رساله مستقلی درآمده است و پس از بدایع الحکم مشهورترین اثر وی است. این مقاله تصحیح این رساله است.

#### ۱۱. رساله وجود رابطی حکیم مؤسس آقاعلی مدرس (قدس سره)

محسن کدیور، نامه مفید، پاییز ۱۳۷۵، ش ۷، ص ۲۷-۷۰.

چکیده: مسئله وجود رابط از مسائل مستحدث فلسفه اسلامی است. برای نخستین بار میرداماد در الافق المبین به دو وجود رابط و رابطی در کنار وجود معمولی به نحو مستقل اشاره می‌کند. صدرالمتألهین در اسفار در ضمن سه فصل، به تفصیل به بحث درباره وجود رابط می‌پردازد. وی به تبع استاد خود، پیشنهاد می‌کند به وجود مقابل، وجود معمولی رابط اطلاق شده و وجود ناعتی، رابطی خوانده شود. رساله آقاعلی مدرس در حقیقت شرح آرای صدرالمتألهین در اسفار درباره وجود رابط است. اگر چه این رساله به نامهای رساله فی تحقیق الوجود رابطی و «رساله فی الوجود الرابطی» مشهور شده است، اما تأمل در مفاد رساله نشان می‌دهد که عنوان «رساله فی الوجود الرابطی» با اصطلاح پیشنهادی صدرالمتألهین سازگارتر است. این مقاله تحقیق و تصحیح این رساله حکیم آقاعلی مدرس زنوزی است.

#### ۱۲. زنوزی، علی بن عبدالله (آقای علی مدرس)

سید جعفر سجادی، وحید، مرداد ۱۳۵۱، ش ۱۰۴، ص ۵۸۴-۵۹۱.

چکیده: مقاله مختصری در معرفی حکیم مدرس زنوزی و آثار وی است.

#### ۱۳. ژرف اندیشی‌های حکیم مؤسس در اسفار صدرالمتألهین

محسن کدیور، نامه مفید، بخش اول: تابستان ۱۳۷۶، ش ۱۰، ص ۹۹-۱۴۶. بخش دوم: پاییز ۱۳۷۶، ش ۱۱، ص ۷۱-۱۰۸. بخش سوم: زمستان ۱۳۷۶، ش ۱۲، ص ۹۷-۱۵۴.

چکیده: صدرالمتألهین شیرازی (۱۰۵۰ق) بنیانگذار یکی از سه مکتب فلسفه اسلامی، یعنی حکمت متعالیه است. اسفار بزرگ‌ترین کتاب ملاصدرا و عالی‌ترین نمونه اندیشه فلسفی وی است. نزدیک دو قرن طول کشید که قدر و قیمت آرای فلسفی صدرالمتألهین در حوزه‌های علمیه به رسمیت شناخته شود و اسفار کتاب درسی عالی‌ترین مراحل تعلیم فلسفی شود. از زمان ملاعلی نوری (۱۲۴۶ق) تأملات ژرف فلسفی به صورت حاشیه و تعلیقه بر اسفار و دیگر آثار ملاصدرا به شکل جدی آغاز می‌شود. بسیاری از حکیمان مسلمان حاصل تحقیقات عمیق خود را به

چکیده: نویسنده در این مقاله به بررسی مسئله فلسفی «خیر و شر» پرداخته است. به طور کلی می‌توان مقاله را به دو بخش تقسیم کرد: در بخش اول اشاراتی به ضرورت بحث در باب خیر و شر شده است و سپس راه‌حل‌های حکمای اسلامی برای حل این مشکل مطرح شده و برای این مهم از دیدگاه‌های حکمایی چون ابن سینا، بهمنیار، غزالی، ملاصدرا، حاج ملاهادی سبزواری، زنوزی و دیگران بهره گرفته شده است. نویسنده در بخش دوم رهیافت برخی از متفکران معاصر همچون جی. ال. مکی را بازگو نموده و در نهایت پاسخ فیلسوف معاصر دین، آلوین پلانتینگا را مطرح می‌کند.

#### ۸. دو فیلسوف شرق و غرب (تاریخ فلاسفه اسلام: آقاعلی حکیم

- کنت دوگوبینو)

مرتضی مدرس چهاردهی، وحید، فروردین ۱۳۴۷، ش ۵۲، ص ۳۹۲-۳۹۵ و اردیبهشت ۱۳۴۷، ش ۵۳، ص ۴۳۰-۴۳۲.

چکیده: در این مقاله که به مناسبت انتشار مکتوبات کنت دوگوبینو نگارش یافته است، مطالبی که کنت دوگوبینو در کتاب مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی درباره شرح حال و استادان آقاعلی مدرس و برخوردهایی که با وی داشته است گردآوری شده است.

#### ۹. رابطه نفس و بدن

غلامحسین ابراهیمی دینانی و رحمت الله کریم زاده، آموزه‌های فقهی، تابستان ۱۳۸۶، ش ۲۴، ص ۳-۲۰.

چکیده: مسئله معرفت نفس، از قدیم الایام در بین حکما و متکلمان و در تمام ادیان مطرح بوده است و کلید معرفت حق و آخرت شناخته می‌شود. نه در غرب و نه در شرق به صورت یکنواخت با این مسئله برخورد نشده است. در این میان ابن سینا عقل را مسلم مجرد می‌داند و چون نفس از شئون عقل است، طبعاً نفس هم مجرد است. آنچه مهم است این است که چگونه این امر مجرد به بدن مادی تعلق می‌گیرد، ولی صدرالمتألهین بر اساس اصل حرکت جوهری قائل شد که نفس، جسمانی الحدوث است و نفس و بدن متحدند. سرانجام به دیدگاه حکیم مدرس زنوزی اشاره می‌شود که قائل است به اینکه تعلق نفس به بدن از مصادیق ترکیب اتحادی است.

#### ۱۰. رساله معاد جسمانی حکیم مؤسس آقاعلی مدرس (قدس سره)

محسن کدیور، نامه مفید، زمستان ۱۳۷۵، ش ۸، ص ۹۷-۱۵۲.

چکیده: حکیم مؤسس آقاعلی مدرس (۱۲۳۴-۱۳۰۷ق) از قوی‌ترین شارحان آرای صدرالمتألهین است. وی افزون علاوه بر توضیح و تفسیر استادانه آرای ملاصدرا، اهل تصرف در مبانی بوده است و در بسیاری از مسائل حکمت متعالیه به نتایج یا روش استدلال حکیم پرآوازه شیراز انتقاد کرده و اساسی نو در انداخته است.

### ۱۵. سیری در مبانی وجود شناختی حکیم مؤسس آقاعلی مدرس (قدس سره)

محسن کدیور، نامه مفید، بهار ۱۳۷۶، ش ۹، ص ۱۲۱-۱۵۸.

**چکیده:** تحقیقات حکیمان مسلمان در مباحث وجودشناسی از نقاط قوت فلسفه اسلامی است. بحث از وجود اگرچه بسته و گریخته در نخستین نگارش‌های حکیمان اسلامی از قبیل کندی، فارابی و ابن سینا به چشم می‌خورد، اما تا قبل از حکمت متعالیه هرگز به عنوان محور فلسفه به آن عنایت نشده بود. آغاز هزاره دوم حکمت اسلامی با یک نقطه عطف همراه است. این تحول بیش از همه ره‌آورد سفرهای روحانی صدرالمتألهین شیرازی (۱۰۵۰ق) به وادی عرفان اسلامی بود. با این‌همه نگرش صدرایی به «وجود» نگرش خاص حکیمانه است، نه لزوماً عارفانه. مباحث وجودشناسی فلسفه اسلامی اگرچه با صدرالمتألهین واقعا آغاز می‌شود، اما با وی پایان نمی‌یابد. صدرالمتألهین گشاینده راهی شد که توسط دیگر حکیمان متعالیه مرحله به مرحله ادامه یافت. اگرچه تا چند قرن به دلیل عظمت شخصیت صدرالمتألهین (قدس سره) آنچه در حکمت متعالیه به چشم می‌خورد، تنها توضیح و تشریح و تفسیر آرای حکیم پرآوازه شیراز است، اما به تدریج و براساس مبانی صدرایی، تقریرهای تازه و آرای جدیدی ارائه می‌شود که سهم مهمی در پیشبرد حکمت متعالیه و ارتقای فلسفه اسلامی دارد. در میان نوآوران حکمت متعالیه، آقاعلی مدرس (۱۳۰۷ق) که به حق در زمان حیات خود به «حکیم مؤسس» ملقب شد، از نوعی ممتاز بودن برخوردار است. آنچه وی را از دیگر حکیمان متعالیه پس از صدرالمتألهین (قدس سره) ممتاز می‌کند، این است که او اهل تصرف در مبانی بوده و تنها به شرح و توضیح آرای گذشتگان، حتی ملاصدرا اکتفا نکرده است؛ هر چند در شرح و تفسیر آرای صدرالمتألهین (قدس سره) نیز چیره‌دست است. از آقاعلی مدرس تعلیقاتی بر شش اثر صدرالمتألهین بجا مانده است. این آثار عبارتند از: الاسفار الاربعة، الشواهد الربوبية، شرح الهدایة الاثیریة، تعلیقات شرح حکمة الاشراق، تعلیقات الهیات الشفا و المبدء و المعاد. یکی از آثار آقاعلی مدرس که تاکنون به زیور طبع آراسته نشده است، تعلیقات وی بر «الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکیه» است. شواهد حاوی خلاصه آرای صدرالمتألهین در حکمت متعالیه است. آخوند این کتاب را بعد از المبدء و المعاد و شرح الهدایة الاثیریة و قبل از تعلیقات شرح حکمة الاشراق و مفاتیح الغیب و تعلیقات الهیات الشفانوشته است. آنچه در این مجال تقدیم ارباب نظر می‌شود، تعلیقات آقاعلی بر «الشواهد الربوبية» است که شامل دو بخش است: بخش اول تعلیقات بر ۲۵ موضع از شاهد اول از مشهد اول. بخش دوم بحث مستقل و ناتمامی است درباره علم واجب به ذات خود. آقاعلی

صورت تعلیقه بر اسفار نوشته‌اند. از جمله مهم‌ترین تعلیقات اسفار تعلیقات حکیم مؤسس آقاعلی مدرس (۱۳۰۷ق) است. آقاعلی یکی از بزرگ‌ترین نمایندگان حکمت متعالیه و صاحب چندین رأی تازه و ابتکاری در فلسفه اسلامی است. آشنایی با ابعاد مختلف اندیشه فلسفی حکیم مؤسس و مقایسه آرای او با آرای حکیمان روشن می‌کند که وی دومین شخصیت حکمت متعالیه است. آثار به جامانده از آقاعلی به شش بخش قابل تقسیم است: بدایع الحكم، تعلیقات و رسائل اسفاری، تعلیقات بر دیگر آثار صدرالمتألهین، تعلیقات بر دیگر آثار فلسفی، رسائل فلسفی عرفانی و تقریرات اصول فقه. آقاعلی در رساله خودنوشت خود حواشی و تعلیقات اسفار را از جمله آثار خود بر شمرده است. حکیم مؤسس از میان این تعلیقات، رسائل مستقلی استخراج کرده است. این رسائل برآمده از تعلیقات اسفار عبارتند از: رساله فی الوجود الربطی، رساله فی اقسام الحمل، رساله فی العلة و المعلول، رساله فی طریقه الصدیقین، رساله فی التوحید، رساله سبیل الرشاد فی اثبات المعاد. در این پژوهش شش نسخه از تعلیقات آقاعلی بر اسفار گردآوری شده است. آنچه در این تتبع انجام گرفته است عبارت است از: ۱. احراز استناد تعلیقات به آقاعلی. ۲. مشخص کردن ربط هر تعلیقه به موضع مشخص از متن اسفار یا حاشیه سبزواری. ۳. ترتیب و تنظیم حواشی براساس شماره مسلسل. ۴. تصحیح تعلیقات. ۵. تحقیق تعلیقات، استخراج نشانی آیات، روایات، آرای منقول از دیگر کتب و فلاسفه.

### ۱۴. سه اقلیم بدن: بررسی مقایسه‌ای معاد جسمانی از منظر صدرالمتألهین و آقاعلی حکیم (مدرس زوزی)

محمد مهدی گرجیان نرجس رودگر، قیاسات، سال ۱۵، زمستان ۱۳۸۹، ش ۵۸، ص ۸۵-۱۱۳.

**چکیده:** معاد جسمانی صدرالمتألهین، طرحی نو است که برای نخستین بار جسمانیت معاد را افزون بر روحانیت آن به تقریر عقل و برهان درآورده است. گرچه صدرا تبیین خود از معاد را کاملاً منطبق با معاد قرآنی می‌داند، ولی منتقدان وی منکر این تطابق هستند. آقاعلی حکیم (مدرس زوزی) از پیروان مکتب حکمت متعالیه از جمله افرادی است که کوشش او برای ارائه تقریر کامل تری از معاد جسمانی که از هماهنگی بیشتری با معاد قرآنی برخوردار باشد، مورد عنایت اهل حکمت و نظر قرار گرفته است. گرچه واکاوی آرای این دو حکیم بزرگوار، نشان دهنده تفاوت‌هایی در نظریه پردازی علی‌رغم وحدت مبانی است، اما برآیند این بررسی نشان می‌دهد تقریر آقاعلی حکیم برخلاف تشابه با تقریر صدرایی در شبهه عدم تطابق کامل با معاد قرآنی، اشکالات عقلی و نظری دیگری نیز دارد.

## ۱۸. معاد جسمانی از دیدگاه مدرس زنوزی

مهری چنگی آشتیانی، اندیشه دینی، تابستان ۱۳۹۱، ش ۴۳، ص ۱۰۳ - ۱۲۴.

**چکیده:** صدرالمتألهین اولین کسی بود که براساس مبانی حکمت متعالیه توانست معاد جسمانی را تبیین عقلانی کند. طبق مبانی صدرایی، بدنی که بالذات تحت تدبیر نفس قرار دارد، یعنی بدن ما، نه این بدن متعین دنیوی، عنصری از شئون و بلکه نماد مرتبه نازله نفس است و عمل نفس در عالم واقع به واسطه بدن صورت می‌گیرد. بنابراین بدن آلتی مستقل و بیگانه از نفس نیست، بلکه متجلی نفس است. براین اساس بدن در ارتکاب عمل، هم نقش مباشر را دارد و هم مسبب پیدایش عمل است و به همین دلیل در آخرت مستحق عذاب و پاداش می‌شود. طبق نظریه صدر، بدن اخروی برآمده از خلاقیت قوه خیال است. یکی از مخالفان معاد صدرایی آقاعلی مدرس است که براساس مبانی صدرایی، معتقد است که نفس در بدن و اجزایش ودایعی به جای می‌گذارد. بنابراین پس از مرگ، اجزا به سمت تشکیل بدن کاملی حرکت می‌کنند و این بدن در آخرت دوباره به نفس ملحق می‌شود. وی معاد جسمانی را به معنای تعلق دوباره بدن دنیوی به نفس می‌داند.

## ۱۹. معاد جسمانی از منظر دو حکیم آقاعلی مدرس زنوزی و آیت‌الله رفیعی قزوینی

سیدعلی علوی قزوینی، جاویدان خرد، سال ۶، بهار ۱۳۸۸، ش ۲، ص ۷۱ - ۹۲.

**چکیده:** معاد جسمانی از اصول عقاید اسلامی است که خداوند متعال در قرآن کریم به صراحت از آن یاد کرده است. تا قرن دهم هجری، حکیمان اسلامی تنها راه اثبات آن را تعبد به وحی می‌دانستند، ولی در قرن یازدهم هجری صدرالمتألهین شیرازی (۱۰۵۰ق) افزون بر آن به برهانی کردن آن نیز همت گماشت. نظریه او مورد نقد فیلسوفان بعدی از جمله مرحوم آقاعلی مدرس زنوزی طهرانی (۱۳۰۷ق) قرار گرفت. وی با نقد صدرالمتألهین به طرح نظریه ابتکاری خود در این موضوع پرداخت که بعدها مورد پذیرش برخی از اعظام و اکابر فلاسفه اسلامی از جمله حکیم متأله مرحوم آیت‌الله میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی (۱۳۹۵ق) قرار گرفت. به عقیده آقاعلی مدرس برخلاف تصور رایج میان عوام متشرع، معاد جسمانی، نزول دوباره نفس پس از مفارقت از بدن به همان بدن عنصری دنیوی با حفظ مرتبه دنیوی آن نیست؛ زیرا این امر از مستحیلات عقلیه نیست، بلکه معاد جسمانی صعود بدن در اثر حرکات جوهریه و استکمالات ذاتیه به سوی نفس مفارق است. ما در این نوشتار با استفاده از کلمات حکیم مؤسس آقاعلی مدرس به شرح و توضیح نظریه علامه رفیعی (ره) در باب معاد جسمانی می‌پردازیم.

در این تعلیقات آراء جمعی از فلاسفه متقدم و متأخر را تحلیل، استناد و احیاناً نقد کرده است. آرای افلاطون، فروریوس، ابن سینا، سهروردی، ابن کمونه، سیدصدرالدین دشتکی، ملانعیما طالقانی، ملاعلی نوری و استادش ملامحمد جعفر لاهیجی از جمله این آراء هستند و تحلیل انتقادی آرای ملاصدرا که وجهه نظر تمامی این تعلیقات است. از نکات مهم این تعلیقات، بحث تطبیقی آقاعلی بین مباحث الفاظ اصول فقه با مباحث فلسفی در دو مسئله است. آقاعلی در اصول از محضر شیخ اعظم انصاری (قدس سره) استفاده کرده و تقریرات درس شیخ اعظم به قلم آقاعلی در دست است. از دیگر نکات مهم این تعلیقات، تلخیص رأی ابتکاری حکیم مؤسس در بحث معاد جسمانی توسط خود وی است. از آنجا که بخش اعظم این رساله عهده دار مباحث وجود است، نگارنده نام «سیری در مبانی وجودشناختی حکیم مؤسس آقاعلی مدرس (قدس سره)» را برانزده آن دانسته است.

## ۱۶. علی مدرس زنوزی فیلسوفی نو صدرایی در مکتب فلسفی

تهران

محسن آلوستانی مفرد، رسالت (روزنامه)، ۱۳۸۵/۱۲/۱۳، ش ۶۰۹۹، ص ۱۸.

**چکیده:** آقاعلی مدرس زنوزی حکیم و فیلسوف از شخصیت‌های بزرگی است که در فلسفه صدرایی از مقام و منزلت مهمی برخوردار است. نیز از اندیشمندانی است که در علوم عقلی اعم از فلسفه، کلام و ریاضیات تبحر داشته است. او در معقول و منقول نیز از شخصیت‌های جامع بوده است. آقاعلی زنوزی از حکمای بزرگ اسلام بعد از صدرالمتألهین شیرازی و حوزه فلسفی اصفهان است. صدرالمتألهین در زمان خود به شهرت نرسید. سال‌ها بعد از وفات و شاید حدود صد سال پس از آن کم‌کم در جهان اسلام به شهرت فوق‌العاده رسید. این مقاله خلاصه‌ای از آثار، زندگانی، شاگردان و تأثیر حکیم مدرس زنوزی است.

## ۱۷. کتاب‌شناسی توصیفی حکیم مؤسس آقاعلی مدرس طهرانی

محسن کدیور، آینه پژوهش، مهر و آبان ۱۳۷۶؛ ش ۴۶، ص ۸۰ - ۹۷.

**چکیده:** این کتاب‌شناسی توصیفی شامل شش بخش است. بخش اول: هجده کتاب و رساله به جامانده از آقاعلی. بخش دوم: دو تقریر از دروس و بحث‌های آقاعلی. بخش سوم: شناسایی سه کتاب مفقود حکیم. بخش چهارم: معرفی آثاری که انتسابشان به آقاعلی محرز نشده است. بخش پنجم: معرفی کتب، رسائل و مقالاتی که به شرح، حاشیه و نقد آثار آقاعلی پرداخته است. بخش ششم: معرفی، منابع عمومی و خصوصی پیرامون احوال آقاعلی مدرس طهرانی.

جدید داشته، حکیم بزرگ آقاعلی مدرس زنوزی است. این نوشتار پس از سیرتاریخی مسئله معاد جسمانی، دیدگاه بدیع حکیم مدرس زنوزی را در مسئله معاد جسمانی به نحو مبسوط نقد و بررسی کرده است.

### ۲۳. مکاتب فلسفی - اسلامی در ایران (مکتب اصفهان، مکتب شیراز و مکتب تهران)

محسن آل‌وستانی مفرد، رسالت (روزنامه)، سوم اردیبهشت ۱۳۸۵، ش ۵۸۴۴، ص ۱۷ و ششم اردیبهشت ۱۳۸۵، ش ۵۸۴۷، ص ۱۹. چکیده: این مقاله سه مکتب فلسفی اسلامی اصفهان، شیراز و تهران و فیلسوفان معروف آنها را معرفی کرده است و ضمن معرفی حکیم مدرس زنوزی، او را یکی از معروف‌ترین فیلسوفان مکتب تهران یاد کرده است.

### ۲۴. نخبگان علم و عمل ایران: آقاعلی مدرس تهرانی

مصطفی محقق داماد، نامه فرهنگستان علوم، تابستان ۱۳۷۵، ش ۴، ص ۱۲۹-۱۵۲.

چکیده: این مقاله شامل بخش‌های زیر است: معرفی پدر حکیم زنوزی؛ شرح حال حکیم تهرانی؛ معرفی تحمیدیه رساله بدایع الحکم جهت اشاره به ادب دانی حکیم تهرانی؛ متن تصحیحی تحمیدیه؛ فقاقت حکیم زنوزی؛ شعر حکیم زنوزی؛ آثار و تألیفات؛ چگونگی انتقال حوزه عقلی تهران به نجف؛ اساتید، شاگردان و وفات آقاعلی؛ شعری از میرزا لطف علی صدرالافاضل از شاگردان حکیم تهرانی در ثنائی استادش به نقل از تذکره طرائق الحقائق؛ مناظره آقاعلی حکیم با حاج محمد کریم خان کرمانی (جمادی الاول ۱۲۷۵ق در دار الخلافه تهران) و شانزده سؤال فلسفی بدیع الملک میرزا از حکیم مدرس تهرانی.

### ۲۵. نظریه حدوث جسمانی نفس در فلسفه ملاصدرا و تاثیر آن بر معاد جسمانی

رضا اکبریان و حسن غفاری، آینه معرفت، تابستان ۱۳۸۶، ش ۱۱، ص ۱-۳.

چکیده: در این مقاله پس از طرح مسئله معاد جسمانی و اهمیت آن، نشان داده می‌شود که تبیین ملاصدرا از معاد جسمانی بسیار تحت تأثیر نظریه حدوث جسمانی نفس است. ملاصدرا بر اساس این نظریه و با توجه به سازگاری این اصل با اصول دیگر در معاد جسمانی و با تأکید بر مسئله عینیت، نتیجه می‌گیرد که گرچه همواره نفسیت نفس به تدریج بدن است، اما مقصود از این بدن، بدن مبهم و علی البدل است. عینیت بدن اخروی با بدن دنیوی، ملازم با این نیست که ماده دنیوی نیز در بدن اخروی لحاظ شود، بلکه بدن اخروی صورتی است بدون ماده. کلید اصلی ملاصدرا در این تبیین، اصل حرکت جوهری است که حدوث نفس مبتنی

۲۰. معاد جسمانی از نظر آقاعلی مدرس زنوزی و علامه طباطبایی رضا اکبریان و محمداسحاق عارفی شیرداغی، آموزه‌های فلسفه اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ش ۶، ص ۳۹-۵۴.

چکیده: اصل معاد از اصول مسلم اسلام و معاد جسمانی از ضروریات این دین به شمار می‌آید. حکیم زنوزی و علامه طباطبایی از فقها و دانشمندانی هستند که درباره معاد جسمانی سخنان تازه و نظریه جدیدی ابراز داشته‌اند. آنچه که دیدگاه حکیم زنوزی در این باب را از سایر دیدگاه‌ها ممتاز می‌کند، این است که وی در مورد تعلق نفس به بدن در قیامت، بدن را به سوی نفس راجع می‌داند، نه نفس را به سوی بدن و این درست برخلاف چیزی است که دیگران اظهار می‌دارند. علامه طباطبایی هرچند در برخی جزئیات معاد جسمانی، موافقت کامل خود را با حکیم زنوزی اعلام نکرده است، ولی در مورد لحوق ابدان به نفوس دیدگاه حکیم زنوزی را مورد پذیرش قرار داده است.

### ۲۱. معاد جسم عنصری (دلایل نقلی و نقد دیدگاه‌های رقیب)

غلامرضا فیاضی و مهدی شکری، معرفت کلامی، سال سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ش ۹، ص ۶۷-۸۸.

چکیده: معاد به مثابه موضوع کلامی دارای ابعاد مختلفی است که جسمانی بودن از مهم‌ترین آنها است و بسیاری آن را از ضروریات دین دانسته‌اند. ادله نقلی افزون بر امکان و وقوع، حتی برخی ویژگی‌های معاد جسم عنصری را نیز بیان می‌کنند، اما علاوه بر اختلاف درباره حقیقت انسان، شبهاتی (عقلی و نقلی) که برخی آنها را دلیل قطعی بر انکار معاد جسم عنصری پنداشته‌اند نیز موجب اختلاف دیدگاه‌هایی شده است، از این رو بسیاری کوشیده‌اند تا تصویر دیگری از معاد جسمانی ارائه دهند. این نوشتار بر آن است که ادله نقلی را به مثابه روشی برای بحث بیان کند و بر مبنای آن، به بررسی دیدگاه‌ها رقیب (از جمله دیدگاه زنوزی) درباره معاد جسمانی بپردازد.

### ۲۲. مقام روح

محمد رضا خلیل نژاد، همشهری (روزنامه)، ۱۳۸۶/۸/۱۰.

چکیده: مسئله معاد جسمانی از امهات مباحث فلسفی مربوط به جهان واپسین است. ابن سینا درباره مسئله معاد جسمانی، باب عقل و استدلال را مسدود می‌داند و به تعبد و تقلید و تصدیق پیامبر (ص) اکتفا کرد. بزرگان فلسفه تا زمان صدرالمتألهین شیرازی در مورد این مسئله یا مقلد بوده‌اند یا از حکم دادن بازایستاده‌اند. اثبات معاد جسمانی با برهان عقلی و استدلال فلسفی یکی از قله‌های رفیع در فرهنگ اسلامی است که وصول به آن نصیب صدرالمتألهین شیرازی شده است. تنها کسی که پس از صدرالمتألهین در مورد معاد جسمانی مبتکر بوده و نظریه‌ای

بر آن است. به عقیده ملاصدرا همه موجودات جهان مادی، متحرک به حرکت جوهری هستند. نفس هم، چون در ابتدای حدوث خود مادی است، متحرک به حرکت جوهری می‌باشد و در این سیر و حرکت مانند همه کائنات به سمت غایت خود، یعنی آخرت رهسپار است. افزون بر اصل حرکت جوهری، تجرد نفس در مرتبه خیال، امکان سیر نفس در عوالم سه گانه نیز با نظریه حدوث جسمانی نفس در توجیه و تبیین معاد جسمانی قابل تبیین است. ملاصدرا در این تبیین موفق به اثبات بدن برزخی شده، ولی در اثبات بدن اخروی با اشکالات زیادی مواجه است. این اشکالات سبب نمی‌شود که به تفکیک حوزه ایمان و عقل در معاد جسمانی قائل شویم، بلکه همچنان می‌توان با مبانی عقلی و فلسفی به اثبات معاد جسمانی پرداخت؛ چنان‌که حکیم زنوزی و علامه طباطبایی در صدد این هستند.

## ۲۶. النفس کل القوی (رساله‌ای از آقاعلی حکیم)

اصغر دادبه، فرهنگ، سال ۳، بهار ۱۳۷۰، ش ۸، ص ۳۱۹-۳۴۴.  
چکیده: موضوع مورد بحث در این مقاله بررسی نظریه کل القوی بودن نفس از دیدگاه آقاعلی حکیم مدرس زنوزی است. آقاعلی دیدگاه‌های خود را در باب کل القوی بودن نفس در حواشی خود بر اسفار مطرح کرده است. این حواشی به صورت رساله‌ای کوتاه در حاشیه صفحات ۳۸۰-۳۸۲ کتاب شرح هدایه ملاصدرا (چاپ سنگی) چاپ شده است. این مقاله در سه بخش تنظیم شده است: ۱. طرح مسئله: در این بخش مسئله کل القوی بودن نفس و خاستگاه‌های مهم آن به اختصار طرح شده است. ۲. بررسی و تجزیه و تحلیل رساله: در این بخش نخست آرای ملاصدرا در زمینه کل القوی بودن نفس طرح شده و سپس رساله آقاعلی تجزیه و تحلیل شده است. در پایان هم به اختصار از ابتکار و تأسیس آقاعلی در فلسفه بحثی در میان آمده است. ۳. متن رساله: متن از حواشی شرح هدایه بازنویسی شده، معرب و مشکول و در حد لزوم علامت‌گذاری شده است.

### پایان‌نامه‌ها

#### ۱. اهم آراء فلسفی سه فیلسوف برجسته مکتب تهران

محمد خسروی فارسانی، دانشگاه مفید قم، گروه فلسفه و کلام اسلامی، کارشناسی ارشد، ۱۳۸۱، ۲۵۹ ص.

چکیده: رساله منظور با عنوان «اهم آراء فلسفی سه حکیم برجسته مکتب تهران» آقاعلی مدرس، آقا محمدرضا قمشه‌ای و میرزا ابوالحسن جلوه در پنج فصل تنظیم شده است. در فصل اول رساله مفاهیم و کلیات بحث تبیین شده است. شرح هر یک از واژگان عنوان پژوهش، هدف و روش تحقیق و نتایج حاصله، از مهم‌ترین مباحث این فصل است. روش پژوهش در این رساله در سه مرحله برای استخراج آراء ابتکاری از طریق ۱. مطالعه، تحقیق، مقایسه

و ارزیابی. ۲. تصریح خود حکیم بر ابتکاری بودن یک رأی. ۳. تصریح اهل فن در ابتکاری بودن یک رأی است که به اقتضای آرای هر فیلسوف و پیشینه بحث، دوره از سه راه مذکور برای استخراج این آراء انتخاب شده است. فصل دوم رساله به آراء فلسفی آقاعلی مدرس اختصاص دارد. ابتدا مختصری از شرح حال علمی و اخلاقی حکیم بیان و سپس پانزده رأی ابتکاری و فلسفی به عنوان مهم‌ترین آراء فلسفی این حکیم استخراج و معرفی شده است. از مجموع آراء استخراج شده پنج رأی در یک توصیف، شامل پیشینه بحث و نظر پیشینگان از حکما، رأی آقاعلی، وجه ابتکار او و اختلافش با صدرا ارائه شده است. فصل سوم رساله به آراء فلسفی آقا محمدرضا اختصاص دارد که همچون فصل پیشین ضمن بیان مختصر شرح حال علمی و اخلاقی از حکیم، مهم‌ترین آراء فلسفی او که در سه رأی عنوان شده توصیف می‌شود. در توصیف آراء آقا محمدرضا، شیوه بیان همان شیوه پیشین است ضمن اینکه برای تشخیص وجه ابتکار آراء وی، به ناچار نظر عارفان نیز بیان شده است. فصل چهارم رساله به آراء فلسفی مرحوم جلوه اختصاص دارد که دقیقاً مانند مباحث پیشین تدوین یافته است. در این فصل چهار رأی فلسفی ابتکاری استخراج شده است که دو رأی از آراء اربعه در یک توصیف شامل پیشینه بحث، نظر مرحوم جلوه و ابتکار او در مقایسه با رأی صدرا و ابن سینا تصریح شده است. فصل پنجم به نتیجه‌گیری از رساله می‌پردازد. ابتدا ضمن ارزیابی از موقعیت علمی برجستگان تهران، اجمالاً آراء مهم فلسفی هر یک تشریح می‌شود. سپس به بحث از تأثیر مکتب تهران در باروری و تعالی فلسفه اسلامی پرداخته است. در این بحث به یکی از مهم‌ترین عوامل تعالی فلسفه اسلامی و حکمت متعالیه و چالش‌های فکری و فلسفی اشاره دارد که به ویژه توسط آقای علی و مرحوم جلوه در آراء فلسفی صدرا ایجاد شد.

#### ۲. بررسی معاد از دیدگاه ملا نعیم‌الطالقانی و مقایسه آن با دیدگاه آقاعلی زنوزی

فرهاد شاهی شاوون، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه فلسفه و کلام اسلامی، کارشناسی ارشد، ۱۳۸۴، ۹۷ ص.  
چکیده: این نوشتار در چهار قسمت تنظیم شده است: ۱. در مقدمه از واژه‌شناسی معاد و نیز پیشینه تاریخی مسئله معاد جسمانی بحث به میان آمده است. در قسمت واژه‌شناسی به این نکته اشاره شده که اکثراً معاد به معنای بازگشت تمام یا بخشی از موجود زنده به ویژه انسان است به زندگانی قبل از مرگ خویش و در حقیقت رجوع و بازگشت بر پایه مبداء بودن زندگی دنیوی تفسیر شده است؛ چه انسان قبل از مرگ بر روی زمین زیست می‌کند و پس از مرگ و فنای کلی یا جزئی دوباره به زندگی خویش باز می‌گردد.

### ۳. بررسی و تحلیل معاد جسمانی از دیدگاه مرحوم آقاعلی مدرس و حکیم رفیعی قزوینی

عبدالحسین رحیمی ترکی، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، کارشناسی ارشد، ۱۳۸۸، ۱۶۷ص.

**چکیده:** در این نوشتار بعد از تعریف، جایگاه و ضرورت معاد از دیدگاه بعضی از دانشمندان و فیلسوفان اسلامی، به ادله امکان معاد پرداخته می‌شود که عبارتند از قدرت خداوند، زنده شدن زمین و نمونه‌های عینی معاد. از جمله مطالبی که بررسی می‌شود، دلایل عقلی ضرورت معاد است که به دلیل عقلی اجمالی و تفصیلی تقسیم می‌شود. در فصل دیگری از این نوشتار دلایل عقلی و نقلی معاد جسمانی بحث می‌شود. کیفیت معاد جسمانی از دیدگاه حکیم مدرس زنوزی و رفیعی قزوینی از مطالب اصلی این نوشتار است که قبل از بررسی دیدگاه این دو حکیم، نظریه سه فیلسوف برجسته عالم اسلام، یعنی ابن سینا، شیخ اشراق و صدر المتألهین (ره) بررسی می‌شود. ابن سینا معتقد است در معاد جسمانی، نفس به اجرام آسمانی تعلق می‌گیرد و بدن نفس همان اجرام آسمانی خواهد بود. حکیم سهروردی بر این باور است که نفس به بدن‌های مثالی در عالم مثال یا برزخ تعلق می‌گیرد و ملاصدرا بر اساس اصولی که در معاد جسمانی مطرح کرده است، اعتقادش بر این است که بدن دنیوی با حرکت جوهری به بدن برزخی و یا مثالی که الطف و اشرف از این بدن مادی است تبدیل می‌شود. در نظرایشان بدن اخروی همان بدن دنیوی است، ولی نه با وصف مادی، بلکه با وصف اخروی. حکیم زنوزی بر اساس اصول سه‌گانه خود که عبارتند از: ۱. فرق داشتن مرکب حقیقی و اعتباری ۲. ترکیب نفس و بدن ترکیب حقیقی اتحادی است. ۳. بعد از مفارقت نفس از بدن نفس، به استكمال ذاتی و غایت وجودی خود رسیده و با فاعل و منشأ وجودش متحد می‌شود، اما بدن از آن جهت که حامل آثار و ودایع نفس است، با حرکت جوهری به طرف نفس در حرکت خواهد بود. به تبع او حکیم رفیعی قزوینی معتقدند که بدن با حرکت جوهری با جمیع اجزای بدن به سمت و طرف روح در حرکت است و به سوی نفس مجرد صعود می‌کند. نگارنده پس از بررسی و اشکال به دیدگاه این دو حکیم، بر این باور است که در کیفیت معاد جسمانی، راه حل صحیح و قابل تبیین، راه حلی است که صدر المتألهین (ره) ارائه داده است و دیدگاه این دو حکیم در صورتی قابل دفاع خواهد بود که به نظریه صدر المتألهین برگردانده شود. در غیر این صورت قابل خدشه بوده و راه به جایی نمی‌برد.

### ۴. تحقیق در نظریات خاصه فیلسوف قرن سیزدهم مرحوم آقاعلی مدرس زنوزی

اصغر دادبه، به راهنمایی شهید مطهری، دانشگاه تهران، دانشکده

این نکته‌ای است که در بسیاری از رویکردهای مربوط به معاد جسمانی دیده شده است؛ همانطور که در رویکرد آقاعلی زنوزی و ملانعیما طالقانی دیده می‌شود، اما با این تفاوت که آقاعلی زنوزی بدن را به سمت نفس راجع می‌داند، ولی ملانعیما طالقانی به عود نفس به سمت بدن معتقد است. در بحث از پیشینه تاریخی ضمن بررسی زمینه‌های موجود پیش از آقاعلی زنوزی و ملانعیما طالقانی به این نکته اشاره شده است که بر اساس تاریخی بودن اندیشه بشری توان ریشه‌ها و زمینه‌های نظریه به این دو حکیم بزرگ را در دیدگاه‌های پیش از آن جست.

۲. در بخش نخست دیدگاه آقاعلی زنوزی به بحث گذاشته شده است. در این بخش نظریه آقاعلی و نیز زمینه‌های پیدایش آن بحث شده و دیدگاه او بر پایه مقدمات و اصول خاص ایشان به ویژه در کتاب سیل الرشاد تقریر و تبیین شده است، ولی سرانجام در ارزیابی دیدگاه این حکیم برجسته نتیجه گرفته شده که طبق نظر طرفداران دیدگاه صدرای مبنای ایشان در مسئله معاد جسمانی استوار نبوده، بلکه اشکال‌ها و ایرادهای متعدد علمی و فلسفی و حتی نقلی بر پایه متون روایات و آیات بر آن وارد است که قادر به پاسخ‌گویی آن نیست.

۳. در بخش دوم به دیدگاه ملانعیما طالقانی در باب معاد پرداخته شده است. در این بخش نظریه ملانعیما و نیز زمینه‌ها و پیدایش آن بحث شده و دیدگاه او بر پایه مقدمات و اصول خاص ایشان در کتاب مفصل خود الرشاد تقریر و تبیین شده و نشان داده شده است که با وجود اینکه ملانعیما از حکمای متأخر ملاصدرا است، اما می‌توان گفت که وی زیر بار مبنای وی نرفته است و صرفاً با نامفهوم دانستن مبنای ملاصدرا، طریقه متکلمین را در پیش گرفته است. اما سرانجام در ارزیابی دیدگاه این حکیم نتیجه گرفته شده است که مبنای نیز در مسئله معاد جسمانی انسجام، سازگاری و توان تبیینی کافی که بتواند در برابر دیدگاه صدرای رقابت کند را دارا نیست و دیدگاه وی نیز از اشکالات و ایرادات متعدد علمی و فلسفی و نقلی برخوردار است.

۴. در بخش سوم به ارزیابی دیدگاه آقاعلی زنوزی و ملانعیما طالقانی در باب معاد پرداخته شده است. در این بخش نشان داده شده که هر دو نظریه در مجرد و مادی بودن بدن اخروی اشتراک نظر دارند و این از مواردی است که با ظاهر آیات و روایات همخوانی دارد، اما تفاوت عالم آخرت با عالم دنیوی یکی دیگر از مواردی است که در آیات و روایات به آن اشاره شده است. این مورد در نظریه آقاعلی زنوزی مشهود است، اما نظریه ملانعیما طالقانی این تفاوت را نادیده می‌گیرد. بنابراین نظریه آقاعلی زنوزی با ظاهر آیات و روایات سازگار بوده و نیز قدرت تبیینی و انسجام منطقی آن نسبت به نظریه ملانعیما طالقانی برتری دارد، پس نظریه آقاعلی زنوزی نظریه برتر محسوب می‌شود.



**چکیده:** آقاعلی مدرس طهرانی (۱۲۳۴-۱۳۰۷ق) یکی از پنج چهره شاخص حکمت متعالیه، به واسطه ابتکارات متعدد فلسفی اش از زمان حیاتش به «حکیم موسس» معروف شده است. وی پس از حکمیان بنیانگذار مکتب فلسفی (فارابی، ابن سینا، سهروردی و صدرالمتالهین)، یکی از ده فیلسوف اول جهانی اسلام است. در نخستین مرحله این تحقیق مجموعه مصنفات حکیم مؤسس در سه مجلد تدوین و منتشر شد. در دومین مرحله تحقیق ۲۸ رأی خاص وی استخراج شد که چهارده رأی آن اهم آراء ابتکاری وی در حکمت متعالیه تشخیص داده شد. مراد از رأی ابتکاری، برهان جدید در مسائل کهن، تقریر تازه از مسائل کهنه، راه حل تازه در مباحث گذشته و ابداع مسائل جدید است. این آراء ابتکاری عبارتند از: قولی تازه در اعتراض ذاتیه، تحریر جدیدی از نزاع اصالت وجود و براهین جدیدی بر آن، تقریر و برهان تازه‌ای در بساطت وجود، تقریر برهان تازه‌ای در تشکیک وجود، وحدت وجود اعتبارات وجود، قول جدیدی در اعتبارات ماهیت، برهانی کردن مسئله اتحاد و جودی قوس نزولی و قوی صعودی، برهانی نوبر قاعده نفس و مافوق آن وجود محض است.

ضوابط و احکام معقولات ثانیه، ضوابط، اقسام و احکام معقولات ثانیه، ضوابط، اقسام و احکام حمل، برهانی کردن مسئله اتحاد وجودی اعراض با موضوعاتشان، تقریر تازه‌ای از مسئله موضوع حرکت جوهری، برهان جدیدی بر مسئله اتمیت نظام عالم و امکان نظریه ابداعی در باب معاد جسمانی، هشت رأی از آراء ابتکاری است که در این رساله تحلیل انتقادی شده است.

#### ۷. ترجمه رساله حملیه آقاعلی مدرس زنوزی

علی صباغ کلان، دانشگاه فردوسی مشهد، گروه فلسفه و کلام اسلامی، کارشناسی ارشد، ۱۳۷۸، ۱۰۴ص.

**چکیده:** رساله حاضر در اقسام حمل تدوین شده است. در این رساله ابتدا نسبت هر مفهومی به مفهوم دیگر به سه قسم تقسیم شده است: نسبت حلولی، ازآنی و اتحادی. به نسبت حلولی، نسبت به وجود «فی» و به ازآنی، حمل اشتقاقی «ذوهو» و به نسبت اتحادی، حمل مواطات گفته می‌شود. هرگاه حمل مفهومی عیناً بر مفهوم دیگر صحیح نبوده، بلکه نیاز به مشتق آن یا واسطه شدن کلمه دیگری باشد، به این حمل، حمل اشتقاقی گفته می‌شود. اگر حل مفهومی، عیناً بر مفهوم دیگر بدون واسطه شدن چیز دیگری صحیح باشد، حمل مواطات است. حمل مواطات به دو دسته تقسیم می‌شود: یا حمل اولی ذاتی است که مفاد آن، اتحاد موضوع و محمول در مفهوم است یا حمل شایع صناعی است که مفاد آن، اتحاد موضوع و محمول در وجود است. به این حمل حمل بالذات گفته می‌شود، اگر محمول از ذاتیات موضوع باشد و حمل بالعرض

الهیات و معارف اسلامی، دکتری، ۱۳۵۲.

**چکیده:** حکیم مؤسس آقاعلی زنوزی، معروف به آقاعلی حکیم و آقاعلی مدرس و فرزند ملاعبدالله زنوزی از استادان کم نظیر دو قرن اخیر است. در سال ۱۲۳۴ در اصفهان متولد شد. از پدر معقولاً و منقولاً استفاده کرده است. برای تکمیل علوم منقول به عتبات رفت و پس از مراجعت به تهران به اصفهان رفت و از محضر درس میرزا حسن نوری فرزند ملاعلی نوری بهره‌مند شد. از آنجا به قزوین رفت و از درس ملا آقای قزوینی استفاده کرد. بار دیگر به اصفهان رفت و دوباره در خدمت میرزا حسن نوری به تکمیل تحصیلات پرداخت. آن‌گاه به تهران مراجعت کرد و سال‌ها در مدرسه سپهسالار قدیم مدرس رسمی بود و در سال ۱۳۰۷ در تهران درگذشت. آثار باقی‌مانده از او عبارتند از: تعلیقات بسیار مهمی بر اسفار و الشواهد الربوبیه و شرح الهدایه الاثریه، مقدمه بر مفاتیح الغیب ملاصدرا، تعلیقات بر شوارق الالهام لاهیجی و لمعات الهیه ملاعبدالله زنوزی و تعدادی رساله مستقل در مسائل گوناگون حکمت که مهم‌ترین آنها «بدایع الحکم» به فارسی است. بدایع الحکم در واقع سرآغاز بحث درباره فلسفه تطبیقی در دوران جدید در تاریخ فلسفه اسلامی است و از اهمیت تاریخی برخوردار است. این پژوهش آراء مختلف زنوزی را در مباحث مختلف بررسی کرده است.

#### ۵. تحقیق در وجود ذهنی و بررسی اقوال مختلف درباره آن

زهرا مشیر، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه فلسفه و کلام اسلامی، کارشناسی ارشد، ۱۳۷۱، ۱۷۹ص.

**چکیده:** تحقیق در وجود ذهنی و بررسی اقوال مختلف درباره آن موضوع مورد بحث است. این رساله مشتمل بر سیر تاریخی پیدایش مسئله وجود ذهنی، ادله وجود ذهنی، اشکالات وارده بر وجود ذهنی، بیان اقوال حکما، نتیجه و نقد و بررسی بحث‌ها و عقیده نگارنده در وجود ذهنی است. در ضمیمه هر بخش به دلایل و اشکالات، پاسخ به اشکالات و بیان اقوال مختلف در علم و ادراک و وجود ذهنی، نظریه انباز قلنس، افلاطون، ارسطو، حکیم فارابی، اخوان الصفا، شیخ الرئیس، بهمینار، شیخ اشراق، امام فخرالدین رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، دبیران کاتبی، علامه حلی، فاضل قوشچی، ملا جلال دوانی، صدرالمتالهین شیرازی، ملا عبدالرزاق لاهیجی، ملا محسن فیض کاشانی، ملا عبدالله زنوزی، حاج ملاحادی سبزواری، علامه سید محمد حسین طباطبایی و دلایل حکما بر اینکه علم از مقوله کیف است بحث و بررسی شده است.

#### ۶. تحلیل انتقادی آراء ابتکاری حکیم مؤسس آقاعلی مدرس

##### طهرانی در حکمت متعالیه

محسن کدیور، دانشگاه تربیت مدرس، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دکتری، ۱۳۷۸، ۴۵۷ص.

که گذشتگان برای آن بیان کرده‌اند، بلکه وی بر مبنای حرکت جوهری، بدن را مرتبه نازله نفس می‌داند. یار فلسفه صدرای، ثنویت بدن و نفس از میان برداشته می‌شود. طبق نظریه انسان خلیفه خداوند است، پس نفس انسانی که حقیقت انسان است همانند حق تعالی واحد و بسیط است که در عین وحدت قوای مختلفی دارد. طبق بیان ملاصدرا قوای نفس مراتب ظهور نفس هستند و موجود بسیط جامع شئون خویش است. نظریه «حدوث جسمانی» نفس، مشکل رابطه نفس و بدن را به آسانی برطرف می‌کند. آقاعلی مدرس ضمن پذیرش اغلب اصول صدرایی به نتیجه‌ای متفاوت از او دست می‌یابد. طبق رأی وی، نفس بعد از مفارقت از بدن دنیوی، اگرچه رابطه تدبیری او نسبت به بدن از هم پاشیده می‌شود، ولی در بدن بدایع و آثار ذاتی به جای می‌نهد. به گونه‌ای که هر بدنی از سایر ابدان توسط همین مناسبات متمایز است. وی نتیجه می‌گیرد در عالم آخرت این نفس نیست که به سوی بدن دنیوی تنزل کند، بلکه این بدن است که به سوی نفس مجرد صعود می‌کند.

#### ۱۰. کاوشی در رابطه صفات و ذات

عبدالرضا جمال‌زاده، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات)، دانشکده الهیات و فلسفه، دکتری، ۱۳۸۰، ۲۳۸ ص.  
چکیده: این رساله در چهار بخش با عناوین زیر نگارش یافته است: بخش یکم: اسم، صفت و ذات. بخش دوم: کلیاتی پیرامون صفات پروردگار. بخش سوم: اقوال و آراء در رابطه ذات و صفات. بخش چهارم: نصوص دینی در رابطه ذات و صفات. بخش‌های بالا حاوی سیزده فصل فرعی است که به مطالب مختلف و زیرمجموعه بخش‌ها پرداخته است. برخی از نکات مستفاد و مورد بحث در رساله از قرار زیر است: ۱. صفات مورد بحث فیلسوف آن اسم‌هایی است که بر ذات به اعتبار اتصافشان به صفتی و یا عرضی و یا حالتی دلالت می‌کند؛ مثل قادر که به ذاتی که متصف به قدرت است حکایت می‌نماید. ۲. اشتراک لفظی اسماء و صفات پروردگار، مقبول عمده متکلمان و فیلسوفان نیست و فقط برخی که نتوانسته‌اند از خلط بین مفهوم و مصداق اجتناب کنند و یا از تشبیه ترسیده‌اند به این دام افتاده‌اند. ۳. طبق آیات و روایات و ادله عقلی، اسماء پروردگار توقیفی نیست، بلکه به هر اسمی که نشانه کمال باشد و دور از نقص و کاستی است می‌توان او را خواند. ۴. اتصاف پروردگار به صفات نه تنها موجب منقصت او نیست، بلکه چون او معطی اوصاف کمالیه باشد و دور از نقص و کاستی است، می‌توان او را خواند. ۵. کنه ذات و اوصاف پروردگار برای احدی قابل شناخت نیست و در این سیر نه علم حضوری کامل وجود دارد، نه علم حصولی واصل است. ۶. آراء و اقوال مختلفی در رابطه ذات و صفات پروردگار وجود دارد که مهم‌ترین آنها آراء اشاعره، یعنی

گفته می‌شود، اگر محمول از عرضیات موضوع باشد. محمول در حمل شایع یا ذاتی موضوع است یا عرضی موضوع. در صورت اول آن را حمل بالذات و در صورت دوم حمل بالعرض می‌گویند.

#### ۸. ترجمه و تحقیق در رساله سبیل الرشاد فی اثبات المعاد مدرس زنوزی

ربابه جلیلی بهابادی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی)، رشته الهیات و معارف اسلامی، کارشناسی ارشد، ۱۳۸۴.  
چکیده: هدف پژوهش بحث معاد جسمانی از مسائل پیچیده فلسفه اسلامی است. هدف از این پژوهش بررسی دیدگاه حکیم زنوزی در رساله سبیل الرشاد به عنوان آخرین دیدگاه حکمت متعالیه است. روش نمونه‌گیری: استنباط از کتاب‌های موجود است. روش پژوهش: در این تحقیق روش کتابخانه‌ای است. طرح پژوهش: نگارنده درصدد است که دیدگاه خاص حکیم زنوزی را درباره معاد جسمانی از رساله سبیل الرشاد ترجمه و بررسی نموده و مبانی آن را استخراج نماید و سپس به مقایسه این دیدگاه و دیدگاه‌های دیگر بپردازد. نتیجه کلی: دیدگاه حکیم زنوزی نسبت به دیدگاه‌های قبلی از پیشرفت ویژه‌ای برخوردار است، اما هنوز هم بحث معاد جسمانی با ابهامات زیادی روبروست. به طور کلی هرگونه بحث فلسفی در این زمینه بدون بررسی و مطالعه دیدگاه حکیم مؤسس ناقص خواهد بود و ترجمه این رساله نیز می‌تواند راهگشای پژوهشگران بعدی باشد.

#### ۹. رابطه نفس و بدن از دیدگاه شیخ‌الرئیس و ملاصدرا و آقاعلی زنوزی

محمدکریم رحیمی، مدرسه عالی امام خمینی (ره)، گروه فلسفه اسلامی، کارشناسی ارشد، ۱۳۸۸، ۲۲۱ ص.  
چکیده: بحث از «نفس انسانی» در فرهنگ اسلامی، مبنای بسیاری از مسائل کلامی از جمله مبدأ و معاد است. در ذیل این مبحث، رابطه نفس و بدن یکی از مباحث مهم فلسفه نفس است. بیشتر انظار فلسفی انسان را دارای دو ساحت نفسانی و جسمانی دانسته‌اند. این دیدگاه‌ها را ثنویت‌گرایانه می‌دانند، از آن لحاظ که به دو جوهر یا دو نحوه از وجود اعتقاد دارند. نیز این مبحث مطرح می‌شود که ارتباط و تعامل میان این دو به چه صورت است، با توجه به اینکه در هرکنش و واکنشی، مسانخت میان دو طرف لازم است. ابن سینا ارتباط نفس و بدن را یک رابطه تأثیر و تأثر بعد از تحقق هر کدام به طور جداگانه می‌داند. طبق نظر او نفس با حدوث بدن به وجود می‌آید و بعد از انعدام و نابودی بدن باقی است. نفس نه علت بدن و نه معلول بدن است؛ زیرا هر وقت میان دو شیء ارتباط علیت برقرار باشد، وجود و عدم آنها با هم همراه و همزمان است. ملاصدرا نیز حقیقت انسان را «نفس ناطقه» می‌داند، اما نه به معنایی

نخست به دو دلیل از چشم‌انداز مباحث روش‌شناسی نوین به اهم دستگاه‌های فلسفی اسلامی، به ویژه در رویکردهای مربوط به معاد جسمانی پرداخته شده است. در بخش دوم به مسئله حقیقت انسان و در بخش سوم از چشم‌انداز حکمت متعالیه بحث شده است. در بخش چهارم معادشناسی پس از صدرا به بحث گذاشته شده است و چون عمده‌ترین رویکرد مخالف صدرا، نظریه آقاعلی حکیم زنوزی است، به طور عمده به طرح این دیدگاه او بر اساس کتاب وی سبیل الرشاد پرداخته شده است.

### ۱۳. نسبت عقل و ایمان از نظر متفکران مسلمان و متالهان معاصر غرب

فاطمه صادق‌زاده قمصری، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دکتری، ۱۳۸۰، ۳۸۵ ص.

**چکیده:** توجه اندیشمندان مسلمان و مسیحی به یکی از مؤلفه‌های ایمان متمرکز شده و در نتیجه آن وجه را به منزله کنه ایمانی تلقی کرده‌اند. دیدگاه‌های مسلمانان درباره ایمان بیشتر با نوعی عقل باوری همراه است. از امامیه، شیخ مفید بی آنکه به گوهر ایمان اشاره کند، ایمان محققانه و توأم با معرفت عقلانی را ایمان حقیقی می‌داند. شیخ طوسی ایمان را راست‌شمردن عقاید با دلیل و شناخت عقلانی را مقدمه ایمان می‌داند. شیخ طوسی با توجه به مراتب ایمان، مقلد را نیز مؤمن دانسته و می‌گوید یقینی که همراه با بالاترین درجه ایمان است با تعقل به دست می‌آید. اهل اعتزال چون ابوالهذیل و عبدالجبار گرچه ایمان را به انجام طاعات تصویر می‌کنند، ولی عبادات را تنها با شناخت عقلانی خدا میسر می‌دانند. از اشعریان، ابوالحسن اشعری و همفکران او با تصویر ایمان به تصدیق، بدون تأکید بر بعد معرفتی ایمان درباره بی‌اعتباری ایمان مقلدانه و جواز و حتی وجوب نظر و استدلال عقلی در خداشناسی اتفاق نظر دارند. غزالی ایمان را تصدیق قلبی می‌داند و عوام و اهل علم را در یک سطح ایمانی قرار می‌دهد و تنها ایمان مبتنی بر یقین شهودی را بالاتر می‌داند. از فیلسوفان مشائی، ابن سینا در میان مباحث فلسفی خود به محدودیت عقل بشری و نیاز به دین و هماهنگی عقل و وحی اشاره دارد. ابن رشد نیز با نفی ایمان تقلیدی و تکیه بر قیاس عقلی و با وجود تأیید طریق متکلمان و عوام، ایمان برهانی اهل علم را با ارزش‌تر می‌داند. ملاصدرا با تعریف ایمان به باور جازم قلبی، عارف کامل را واجد بالاترین درجه ایمان و عارف حکیم را در رتبه میانی قرار می‌دهد و تأملات عقلانی را در تحصیل ایمان متوسط لازم می‌داند. از نظر زنوزی ایمان هر کسی با بهره‌ا از آگاهی متناسب است. از دیدگاه علامه طباطبائی اگر مطلبی که ذهن آن را تصدیق کرده در قلب جای گیرد، ایمان تحقق می‌یابد و در مواردی که متعلق ایمان یقینی است، آن یقین با تعقل و اندیشه حاصل

زیادت و معتزله، یعنی نیابت و حکماء و یعنی عینیت است. ۷. مهم‌ترین اشکال بر اشاعره آن است که قول آنها موجب خلو ذات از کمالات می‌شود و تعدد قدماء و واجب‌الوجود را سبب می‌شود. ۸. مهم‌ترین اشکال بر معتزله نیز استلزام انکار صفات و تعطیلی ذات از صفات است. ۹. عینیت ذات و صفات به معنای اتحاد مصداقی و خارجی است با عدم تعدد و ترکیب در ذات باری تعالی، و گرنه تغییر مفهومی بین اوصاف و ذات برقرار است. ۱۰. یازده برهان بر عینیت از ناحیه متأخرین، ملاصدرا، سبزواری و ملاعبده الله زنوزی اقامه شده است. ۱۱. عینیت صفات با یکدیگر نیز به همان ادله عینیت ذات و صفات ثابت و مبرهن می‌گردد؛ چنانچه کلام صدرا المتألهین، ابن سینا، سبزواری و دیگران در این زمینه دلالت دارد. ۱۲. روایاتی که نفی صفات از پروردگار می‌کند یا نفی صفات محدود متناهی که مربوط به ممکنات است می‌نمایند یا به معنای نفی صفات زائده می‌باشد یا به معنای محوصفات در مقام احدیت پروردگار می‌باشد. ۱۳. کلام حضرت امیر(ع) نیز که کمال اخلاص را نفی صفات از او دانسته است بر یکی از وجوه سه‌گانه بایستی حمل کرد که به ویژه بر نفی قول اشاعره استفاده شده است.

### ۱۱. معاد جسمانی از دیدگاه ملاصدرا و آقاعلی مدرس زنوزی

محسن مهدی‌پور، دانشگاه تربیت مدرس، گروه فلسفه و کلام اسلامی، کارشناسی ارشد، ۱۳۸۹، ۱۴۵ ص.

**چکیده:** صدرا المتألهین اولین کسی بود که با پایه‌گذاری حکمت متعالیه توانست بر معاد جسمانی، برهان عقلی اقامه کند. وی معتقد است نفس به واسطه مرتبه خیالی خود که مجرد است، در قیامت بدون مشارکت ماده و تنها از جهات فاعلی، بدنی عینی متناسب با ملکات خود خلق می‌کند که جنس آن از ماده اخروی غیر قابل فساد است و هر کس آن را ببیند می‌گوید همان است که در دنیا بود. یکی از مخالفان معاد ملاصدرا، آقاعلی مدرس است که خود حکیمی صدرا بی است. او عقیده دارد که نفس در بدن و اجزایش ودایعی به جای می‌گذارد، بنابراین پس از مرگ، اجزا به سمت تشکیل بدن کاملی حرکت می‌کنند. این بدن در آخرت دوباره به نفس ملحق می‌شود، پس وی معاد جسمانی را به معنای تعلق دوباره بدن دنیوی به نفس می‌داند. از مقایسه این دو دیدگاه می‌توان نتیجه گرفت که نظریه ملاصدرا به لحاظ مبانی فلسفی از انسجام و سازگاری درونی بیشتری برخوردار است.

### ۱۲. معاد جسمانی در حکمت متعالیه

ابوالفضل کیاشمشکی، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دکتری، ۱۳۷۹، ۲۸۴ ص.

**چکیده:** در این پایان‌نامه در مقدمه از واژه‌شناسی معاد و نیز پیشینه تاریخی مسئله معاد جسمانی بحث شده است. در بخش

وجه دانست. آنچه کانت در این موارد گفته، راه اثبات معاد را مسدود کرده و بقای انسان را پس از مرگ با مشکل روبه‌رو ساخته است. آراء و عقاید کانت، نه تنها در میان اندیشمندان مغرب زمین به گونه‌ای شگفت‌انگیز مؤثر افتاده، بلکه در میان متفکران اسلامی نیز کم‌وبیش بی‌تأثیر نبوده است. آقاعلی مدرس زنوزی از حکمای اواسط دوره قاجاریه، از جمله کسانی است که از موج این اندیشه‌ها برکنار نمانده و به نوعی با آنها برخورد کرده است.

کتاب بدایع الحکم که مهم‌ترین اثر کتبی این حکیم است، برای پاسخگویی به هفت سؤال فلسفی تألیف شده است و در سؤال هفتم نام کانت به صراحت ذکر شده است. طرح‌کننده این سؤالات یکی از شاهزادگان قاجار است که خود اهل حکمت بوده و به فلسفه اسلامی سخت علاقه داشته است. استاد دینانی معتقد است تنها کسی که پس از صدر المتألهین در مورد معاد جسمانی دست به ابتکار زده و نظریه جدیدی ابراز داشته است، حکیم بزرگ آقاعلی مدرس زنوزی است. آنچه نظریه این حکیم را در باب معاد جسمانی از سایر نظریه‌ها ممتاز و مشخص می‌سازد، این است که در مورد تعلق نفس به بدن، وی بدن را به سوی نفس راجع می‌داند، نه نفس را به سوی بدن. مؤلف در این اثر در مقدمه و پیشگفتاری نسبتاً بلند و روشنگر، به طرح پاسخ‌ها و نظر حکیم زنوزی درباره معاد پرداخته است.

نیز مقالات مختصری درباره سرگذشتنامه، آثار استادان و شاگردان حکیم آقاعلی مدرس در کتاب‌های ذیل موجود است:

۶. اثر آفرینان: زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران (از آغاز تا سال ۱۳۰۰ ش)

زیر نظر کمال حاج سید جوادی با همکاری عبدالحسین نوایی؛ تکمیل و انجام حسین محدث زاده، حبیب‌الله عباسی؛ تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷-۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۳.

۷. ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب یا کنی و القاب

تألیف محمدعلی مدرس؛ تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۳۴.

۸. لغت‌نامه

تألیف علی اکبر دهخدا؛ ویراست ۲، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۸۱۳۶.

می‌شود. در میان متألهان مسیحی معاصر، تیلیخ از وجودگرایان، ایمان و دل‌بستگی را مرکب از سه عنصر شناخت، عاطفه و اراده شمرده و عقل وجودشناختی را مستلزم ایمان دانسته است. از راست‌کیشان نوین، کارل بارت ایمان را به مواجهه‌ای با خدا تصویر کرده و آن را هدیه الهی می‌داند و معتقد است چنین ایمانی در جستجوی فهم است و شناخت ایمانی چشم و گوش انسان را گشوده و او را درباره حقایق دینی به سخن می‌آورد.

## مقالات کتابی

### ۱. آقاعلی زنوزی

مرتضی مطهری، «خدمات متقابل اسلام و ایران»، ص ۵۲۸-۵۲۹ در «مجموعه آثار شهید مطهری»، ج ۱۴، تهران: صدرا، ۱۳۷۷.  
چکیده: سرگذشتنامه مختصری از آقاعلی زنوزی در بخش خدمات ایران به اسلام است.

### ۲. تفسیر نفس الامر از دیدگاه حکیم مدرس

محمدعلی اردستانی، «نفس الامر در فلسفه اسلامی»، ص ۱۱۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات، ۱۳۹۱.  
چکیده: در این بخش از کتاب نظریه حکیم درس زنوزی از کتاب بدایع الحکم درباره نفس الامرائه شده است.

### ۳. راز رستاخیز و کاوش‌های عقل نظری

ابوالفضل کیاشمشکی، قم: آیت عشق، ۱۳۸۳. ۳۲۸ ص.  
چکیده: نگارنده در این کتاب به بررسی نظریه صدر المتألهین بنیانگذار حکمت متعالیه در باب معاد جسمانی پرداخته است. مباحثی که در این کتاب آمده عبارتند از: روش‌شناسی بحث، حقیقت انسان، دیدگاه صدر المتألهین درباره معاد جسمانی و دیدگاه آقاعلی مدرس درباره معاد جسمانی.

### ۴. فرهنگ اعلام علوم عقلی اسلامی (مدخل: زنوزی، علی بن عبدالله)

تهیه و تدوین مرکز پژوهشی دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۵۹.  
چکیده: این رساله شامل سرگذشتنامه، نام‌ها، استادان، شاگردان و آثار حکیم آقاعلی مدرس زنوزی است.

### ۵. معاد از دیدگاه حکیم مدرس زنوزی

غلامحسین ابراهیمی دینانی، تهران: حکمت، ۱۳۶۸، ۲۹۸ ص.  
(چاپ دوم، ۱۳۹۱، ۳۴۵ ص)

چکیده: کانت در کتاب نقد عقل محض جوهر بودن نفس را انکار کرده و ادله آن را مخدوش دانسته است. سخن این فیلسوف در این باب دارای چند وجه است که مجموع آنها را می‌توان به چهار